

## تأثیر خدمتگزاری روی خود فرد

خدمت کردن و خدمت‌گزاری به مردم خدمت به خداست. اگر خدا را دوست داری بندگان خدا را خدمت گزار باش و بدان که اگر بنده ای را شاد کنی هزار بار بهتر از آن است که شب و روز به ورد و ذکر مشغول باشی.

مومن در بینش و نگرش قرآنی کسی است که به همه آفریده‌ها به عنوان موجودات مستحق خدمت می‌نگرد و اگر دست به دعا و نیایش برداشت از خداوند می‌خواهد که هر گرسنه‌ای از انسان و غیر انسان و یا کافر و مومن سیر کند و هر بی‌پوشاکی را بپوشاند و هر بینوایی را نوا و هر بی‌پناهی را پناه و هر اسیری را آزاد سازد.

خدمت به آفریده‌های الهی که آدمی را به بالاترین سطح کمال بشری می‌رساند و افزون بر انجام تکلیف و ماموریت و وظیفه خلافت الهی شخص را به عالی‌ترین درجات بالا می‌برد. یکی از عناصر قواعد اخلاقی مجموعه جهان خدمت است. که برای به نتیجه رسیدن تکامل بشریت وجود آن لازم خواهد بود، در واقع آنچه در سطح رفتاری فرد لازم می‌آید خدمت کردن است نه به دلیل اینکه ما را آدمهای خوبی بدانند بلکه برای اینکه بدون خدمت کردن هیچ کس امکان رشد را نمی‌یابد. یکی از فاکتورهای که باید همیشه در نظر داشت این است که باید خدمت را از نیکوکاری جدا نمود، در واقع خدمت عملی سخاوتمندانه و کمک از یک فرد به فرد دیگر در موقعیتی برابر است در حالی که نیکوکاری بخشش از سوی کسی است که دارد به کسی که ندارد. در یک زندگی معقول نیکوکاری جای خود را به خدمت می‌دهد و در نتیجه یک رابطه دوجانبه ایجاد می‌شود و در این ارتباط، هم دریافت و هم ایثار هر دو باهم صورت می‌گیرد در واقع ما در حال خدمت خودخواهی را نابود می‌کنیم و تساوی خود را با دیگران برقرار می‌سازیم. برخی از لوازم خدمت برای یک شخص: ۱- معرفت نفس: در مرحله اول ابتدا باید شخص توانایی‌ها و استعدادهای خود را بشناسد و قوای خود را در جهت خدمت به کار گیرد. ۲- درک: شخص باید به این درک برسد که هیچ کس نمی‌تواند ضرورت اساسی خدمت را در زندگی بشر انکار کند. و خدمت را به عنوان یک اصل برای زندگی بهتر بپذیرد. ۳- عشق: بدون عشق انجام هیچ کاری نتیجه مطلوب را نمی‌دهد. شخص خادم می‌بایست عشق به همدوستی هم‌نوعی و خدمت به دیگران را در خود پرورش دهد و حس

خودخواهی را در خود تا حد امکان کاهش دهد.۴- اراده : داشتن اراده سالم بستگی به رشد و تکامل لازم در معرفت نفس یا حب نفس دارد. و نتیجه یک اراده آزاد انسانی خدمت به ممنوع است.

خدمتگزاری از دیدگاه امام (ره)

امام عظیم الشان در مجموعه گفتارهای خود برای مسئولین ، دولتمردان و نهادهای مسئول در جامعه ، در باب خدمت و خدمتگزاری به نکات ظریفی اشاره داشته اند .

دریک جمع بندی ساده نکات برجسته ای از این سخنان ارائه خواهد شد تا خدمتگزاران به نظام الهی اسلام در خدمت به مردم شریف ایران ، معیارهایی برای تلاش مقدس خود داشته باشند .

الف - تواضع و جلب محبت مردم برای ایجاد پایگاه مردمی

"کوشش کنید که پایگاه ملی برای خودتان درست کنید ، ... هرچه صاحب منصب ارشد باشد ، باید بیشتر خدمتگزار باشد ، مردم بفهمند که هر درجه ای که این بالا می رود ، با مردم متواضع تر می شود ... کاری بکنید که دل مردم را بدست آورید .

"... آقا کاری بکنید که محبت مردم را جلب کنید ، این هم رضای خدا در آن هست ، هم راحتی خودتان در آن هست و هم برای کشورتان مفید است

ب - مردم داری و رفتار خوب با مردم

امام راحل (ره) در جهت مردم داری و رفتار خوبی که باید در سکناات هر مسئول و دولتمردی وجود داشته باشد ، سخن های بسیاری داشته اند ، فرازهای ذیل برداشتی از سخنان آن عزیز می باشد .

ب ۱ - رفتار اسلامی

"همه بدانیم که عقل هم اقتضا می کند به همان طوری که اسلام دستور داده با مردم رفتار شود ، حکومت ها هم همانطور رفتار بکنند ، وقتی در صدر اسلام مأمورین را می فرستادند ، همان سردار بود ، همان که استاندار بود ، امام جماعت هم بود ، یعنی اینقدر مورد اعتماد مردم بود و مردم او را به عدالت می شناختند که به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند .

ب ۲ - عدم ایجاد نارضایتی

" این ها باید حالا فکر این معنا باشند که مردم را داشته باشند و یکی از راهها یش این است که وزارتخانه ها و ادارات یک جوری باشند که نارضایتی ایجاد نکنند و بالاخره ما مردم را لازم داریم ، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می خواهد . " [۴]

ب ۳ - عدم سخت گیری

" باید حرکت ما به صورتی باشد که مردم بفهمند که اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت آمده است ، تا ملت احساس آرامش کنند ، مردم ما خیلی زحمت کشیده اند ... مردم عادی ما تمام زحمات حکومت را متحمل می شوند ، پس ما باید به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند .

ب ۴ - جبران تلخی ها

" ... و شما باید کاری بکنید که آن ذائقه تلخی که مردم در گذشته از دیگران داشته اند به ذائقه شیرینی مبدل سازید که اگر چنانچه خدای نخواستہ مشکلی برایتان پیدا شد ، همین مردم کوچه و بازار بیایند و مشکل شما را رفع کنند .

ج - شرکت دادن مردم در کارها

" وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید ، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می کنند ...

... عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم و باید از مرحله لفظ و شعار بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم، یعنی هر وزیری در وزارتخانه خودش واقعاً بین خودش و خدا، خودش را موظف بداند به اینکه آن پرسنل، آن جا هر کس در تحت نظر اوست، آنها را بسیج کند به اینکه با مردم رفتار خوب بکنند و با مردم رفتار سالم داشته باشند و همین طور شرکت دادن مردم را در امور...

... آنها را کنار نگذارید، رد نکنید، آنها را وارد کنید در کار، وقتی وارد کردید در کار و آنها دیدند که شما می خواهید همکاری کنید با آنها، آنها هم همکاری می کنند با شما.

د - توجه به خواسته های مردم

" ... شما نمی توانید کارهایی که الآن در ایران هست انجام بدهید، الا با هماهنگی با ملت، هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواست اینها...

... مأمورینی که می خواهید بفرستید به اطراف، این مأمورین را درست توجیه کنید که با ساخت مردم موافق باشند، همانطوری که خود شما می خواهید با مردم هم فکر باشید، این ها هم با مردم هم فکر باشند، با روحانیان هم فکر باشند، طوری باشد که هماهنگی داشته باشد.

ه - ارزش دادن به مردم

" ما باید به مردم ارزش بدهیم، استقلال دهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم.

"... به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشم ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری ره آورد آنان و با فداکاری آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است فرو گذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید.

و - عمل کردن به تعهدات اسلامی و خضوع در برابر قانون

" مقصود این است که در حکومت اسلام ، اسلام و قانون اسلام حکومت کند ، اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند ، مامی خواهیم احکام اسلام در همه جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند ، در اسلام حکومت ، حکومت قانون ، حتی حکومت رسول الله... و حکومت امیر المؤمنین ، حکومت قانون است ، یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است ، آن ها به حکم قانون واجب الاطاعه هستند .

" اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام ، تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند ، ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه خدا بکنیم و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون ، قانون برای همه است .

ز- اهمیت دادن به بیت المال و پرهیز از کم کاری

" بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید ، حکومت های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند ، بیت المال مسلمین صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است .

" برادر ها ، امروز روز کار است ، هر کس در هر جا هست باید کار بکند ، ما می خواهیم خود کفا باشیم ، خود کفائی را با تبلیغات نمی شود کرد ، با کار می شود کرد .

" من نمی فهمم کسی علاقه داشته باشد به مملکتش و آن وقت از مملکتش اجر ببرد و عمل نکند ، خوب یک اجرتی که این ها می گیرند در مقابل عمل است ، اگر عمل کم بکنند حرام است ، این اجرت جایز نیست استفاده بکنند از این .

#### خدمتگزاری از دیدگاه ائمه (ع)

یکی از مهم ترین آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام خدمت به مردم و نیازمندان جامعه است . از دیدگاه مکتب حیاتبخش اهل بیت علیهم السلام خدمتگزاری به افراد جامعه ، حد و مرزی ندارد و یک دین باور حقیقی در تمام صحنه های زندگی با الهام از رهبران آسمانی خویش می کوشد تا باری را از دوش دیگران بردارد و خدمتی را به بشر ارائه کند ؛ گر چه فرد مخدوم ، هم کیش او نباشد ، البته خدمت به اهل ایمان اهمیت ویژه ای دارد .

امام حسین علیه السلام با تاکید بر این باور و حیانی می فرماید:  
«اعلموا ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم فتتحول الي غيركم»؛ (۱) بدانید  
نیازمندیهای مردم که [به شما مراجعه می کنند] از نعمتهای الهی است پس نعمتها را افسرده  
نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت رسانی به  
دیگران محول خواهد شد.»

بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در پیامی جهانی به پیروان  
خود چنین رهنمود می دهد:

«ایما مسلم خدم قوما من المسلمین الا اعطاه الله مثل عددهم خداما فی الجنة»؛ (۲) هر مسلمانی که  
به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او  
عطا خواهد کرد.»

اساسا یکی از مهم ترین آرزو و درخواستهای ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند متعال توفیق  
خدمتگزاری به مردم بوده است و آنان این خواسته ارزشمند خویش را در قالب دعاها و سخنان  
گهربار خویش ابراز می نمودند. امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق با پروردگار  
متعال چنین نجوا می فرماید:

«واجر للناس علی یدی الخیر ولا تمحقه بالمن» (۳)؛ خداوند! انجام کارهای خیر را برای مردم،  
به دست من اجرا کن و خدمات نیکم را با منت گزاری ضایع مگردان.»

رفع نیاز حاجتمندان و کمک به ارباب رجوع، از نکات قابل توجهی است که در جوامع حدیثی  
و منابع فقهی بخشهای مستقلی برای آن منظور شده است. «قضاء حاجه المؤمن»، «خدمه  
المؤمن»، «الاهتمام بامور المسلمین»، «الطاف المؤمن و اکرامه» برخی از عناوین این ابواب است.  
در متن این گفتارهای سودمند، افزون بر ثوابهای اخروی خدمت رسانی، به نتایج پربار این  
صلت خداپسندانه در دنیا نیز اشاره شده است. در یکی از همین روایات، حضرت سیدالشهداء  
علیه السلام به خدمتگزاران راستین به مردم نوید می دهد:

«من نفس کربۀ مؤمن فرج الله عنه کرب الدنيا والاخره (۴)؛ هر کس اندوهی را از دل یکی از اهل ایمان بزدايد، خداوند متعال غصه‌های دنیا و آخرت او را از میان برداشته [مشکلاتش را حل خواهد نمود]». بنابراین خدمت رسانی در جامعه اسلامی، بویژه از سوی کارگزاران و مسئولان و صاحبان قدرت و مال و متنفدان، امری لازم و ضروری است. و شایسته است که هر مسلمان وظیفه شناس و مسئولیت‌پذیر در هر پست و مقامی که باشد در امر خدمت رسانی همت نماید و تلاش خود را مضاعف گرداند.

خاطر ناشاد را دلشاد کردن همت است  
باغ آفت دیده را آباد کردن همت است  
صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار  
طایری را از قفس آزاد کردن همت است  
نان بریدن شیوه مردان والا نیست، نیست  
نان برای نوع خود ایجاد کردن همت است  
در زمان ناتوانی یاد یاران فخر نیست  
روز قدرت از ضعیفی یاد کردن همت است

در این نوشتار سعی شده که عمل مقدس خدمت رسانی در سیره و سخن شاخص‌ترین الگوی خدمتگزاران، یعنی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بررسی شده و برخی از زیباترین رفتارها و گفتارهای آن خادم راستین امت اسلام و جامعه بشری به خوانندگان بزرگوار عرضه شود؛ زیرا آن حضرت، پناه بی‌پناهان، دستگیر یتیمان و اسوه کامل خدمتگزاران است. حضرت مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به آن بزرگوار می‌فرماید:

«کنت ربیع الایتام وعصمة الانام وعز الاسلام ومعدن الاحکام وحلیف الانعام؛ [ای جد بزرگوار!] تو بهار یتیمان، حافظ و پناه مردم، مایه سرافرازی اسلام، کانون احکام و معارف الهی و هم پیمان بخشش و احسان بودی.»

آری امام حسین علیه السلام نمونه بارز خدمتگزاری و خدمت رسانی به مردم دردمند بود، او با اعمال و رفتار خویش نه تنها گرهی را از زندگی گرفتاران باز می‌کرد بلکه چگونه خدمت کردن به دیگران را به علاقه‌مندان خویش و بشر دوستان عالم عملاً آموزش می‌داد.

## آداب خدمت رسانی

در سیره امام حسین علیه السلام در زمینه خدمت رسانی نکات ظریفی وجود دارد که دقت بیشتر خادمان دلسوز را می‌طلبد. توجه به شخصیت و حیثیت افراد در امر خدمت رسانی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که شایان توجه می‌باشد؛ چرا که اگر در ضمن اجرای نیکی و احسان و کمک به ارباب رجوع به عزت نفس و آبروی افراد بی‌توجهی شود، نه تنها عمل خدمت رسانی نتیجه مثبت نخواهد داد بلکه مایه انزجار و نفرت نیز خواهد بود. در این صورت شیرین‌ترین ثمره خدمت به تلخ‌ترین خاطره‌ها تبدیل خواهد شد؛ به همین جهت، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به این نکته لطیف توجه خاصی داشت و در مواجهه با نیازمندان این شیوه را رعایت می‌کرد. دو نمونه از رفتار آن حضرت را در این زمینه با هم می‌خوانیم:

۱. روزی شخصی از انصار برای حل مشکل خود به پیشگاه آن بزرگوار آمد. او هنوز لب به سخن نگشوده بود که امام علیه السلام از چهره نگران و سیمای گرفته او، دردها و رنجهای درونی‌اش را دریافت و به وی فرمود:

«یا اخا الانصار صن وجهک عن بذلة المسألة و ارفع حاجتک فی رقعۀ فانی آت فیها ما سارک انشاءالله؛ ای برادر انصاری، خواسته‌ات را به صورت شفاهی مطرح نکن. خواسته خود را در کاغذی بنویس تا انشاءالله من با انجام دادن آن، موجبات خوشحالی تو را فراهم آورم.»  
او نیز در نامه‌ای چنین نوشت:

«یا ابا عبدالله، من به فلانی پانصد دینار بدهکارم و او مرا تحت فشار قرار داده، با او صحبت کن تا به من مهلت دهد.»

امام نامه‌اش را مطالعه کرده و سپس به درون منزل رفت و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به مرد انصاری داد و به او فرمود:

«پانصد دینار آن را به طلبکار خود پرداخت کن و باقیه این پول به زندگی‌ات سامان ده.»  
و در ادامه افزود:

«ولا ترفع حاجتک الا الی احد ثلاثه: الی ذی دین، او مروءه، او حسب، فاما ذوالدین فیصون دینه واما ذوالمروءه فانه یتحیی لمروته واما ذوالحسب فیعلم انک لم تکرّم وجهک ان تبدله له فی



حاجتک فهو یصون وجهک ان یردک بغیر قضاء حاجتک (۵)؛ [ای برادر، اگر روزی گرفتار شدی] مشکل خود را به جز برای سه کس اظهار نکن:

۱. افراد دیندار؛ ۲. جوانمرد؛ ۳. انسانهایی که شرافت خانوادگی دارند.

دیندار برای حفظ دین خود [به تویاری می‌رساند] و جوانمرد به سبب مردانگی خود حیا می‌کند [و به کارت رسیدگی می‌کند] و فرد اصیل و شریف نیز می‌داند که تو با رفتن نزد او از آبرویت مایه گذاشته‌ای و برای انجام دادن خواسته‌ات کوشیده، آبرو و شخصیت تو را حفظ می‌کند.

۲. روزی مردی بینوا که بر اثر فشار زندگی جانش به لب رسیده و دستش از همه جا کوتاه شده بود به امید رسیدن به نوایی به مدینه آمد. او در آنجا از کریم‌ترین و سخی‌ترین فرد سؤال کرد. به او گفته شد: حسین بن علی علیه السلام شریف‌ترین و سخی‌ترین فرد مدینه است. مرد بینوا در جستجوی آن امام بزرگوار به مسجد آمد و حضرت را در حال نماز دید. او در همان جا با خواندن ابیاتی خواسته‌اش را مطرح نمود:

«لم یخب الان من رجاک و من

حرک من دون بابک الحلقه»

«تا به حال ناامید و مایوس نشده هر کسی که به تو امید بسته و درب خانه‌ات را کوبیده است.»  
«انت جواد وانت معتمد

ابوک قد کان قاتل الفسقه»

«تو بخشنده‌ای و تو مورد اعتمادی و پدرت نابود کننده افراد فاسق و تبه‌کار بود.»

امام حسین علیه السلام بعد از شنیدن سخنان وی رو به قبر کرد و فرمود:

«آیا از مال حجاز چیزی بجای مانده است؟» قبر گفت: «بلی، چهار هزار دینار داریم.» امام

فرمود: «قبر! آنها را حاضر کن که این شخص در مصرف آنها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است.»

سپس امام به منزل رفت و ردای خود را - که از برد یمانی بود - از تن در آورد و دینارها را در

آن پیچید و از لای در به آن مرد نیازمند داد و اشعار او را نیز با ابیاتی چنین پاسخ فرمود:

«خذا فانی الیک معتذر

واعلم بانی علیک ذوشفقه»

«اینها را از من قبول کن، من از تو عذر می‌خواهم و بدان که من برای تو مهربان هستم.»

«لو كان في سيرنا الغداة عصا

امست سمانا عليك مندفعه» «اگر امروز قدرت و حکومتی داشتیم و دست ما بازتر بود، مطمئنا

آسمان جود و رحمت ما بر تو ریزش می کرد.»

«لكن ريب الزمان ذوغير

والكف منى قليلة النفقة»

«ولی حوادث روزگار در حال دگرگونی و تغییر است و بخشش من اندک شده است.»

مرد نیازمند هدایای امام را از لای در گرفت و گریست. امام پرسید: «آیا عطای ما را کم

شمردی؟» گفت: «نه، هرگز بلکه به این نکته می اندیشم که این دستان پرمهر و با سخاوت چگونه

در زیر خاک پنهان خواهد شد (۶)!!»

رفتار دل پذیر

اگر در مواردی انسان نتواند نیاز حاجتمندی را برآورد، شایسته است که او را با زبان خوش و

رفتاری دل انگیز راضی کند؛ چرا که برای خدمتگزار وظیفه شناس همیشه کمک مالی به

درماندگان ممکن نیست؛ ولی او می تواند با رفتار دل پذیر خود، مرهمی بر زخم دردمندان،

بگذارد؛ همچنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:

«انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم» (۷) شما هرگز نمی توانید همه مردم را با بذل

مال [راضی کرده] و گشایشی در زندگی بر ایشان ایجاد کنید ولی با اخلاق خوششان آنان را

خشنود کنید

بر همین اساس، حضرت امام حسین علیه السلام گاهی که برایش رفع گرفتاری مستمندان مقدور

نبود با گشاده رویی و رفتاری خوشایند مراجعان را راضی می فرمود. یکی از این مصادیق را

مرور می کنیم:

آن حضرت نشسته بود که فرد نیازمندی به آن بزرگوار مراجعه کرد و اظهار داشت: ای پسر

رسول خدا، به دادم برس! فلان شخص از من طلبکار است و می خواهد مرا زندانی کند. امام

حسین علیه السلام فرمود: «والله ما عندی مال اقضى عنک؛ به خدا قسم! الان هیچ پولی ندارم که

بدهی تو را پرداخت نمایم.»

مرد بدهکار گفت: «پس لااقل با او گفتگو کن شاید رایش عوض شود.»

امام فرمود: «من هیچ گونه آشنایی با طلبکار تو ندارم، اما از پدرم امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم

که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من سعی فی حاجهٔ اخیه المؤمن فکانما عبدالله تسعهٔ الاف سنهٔ، صائما نهاره، قائما ليله؛ (۸) هر کس در راه حل مشکل برادر ایمانی خود تلاش نماید چنان است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده در حالی که روزها را روزه گرفته و شبها را به عبادت گذرانیده باشد.»

به همین جهت اگر نتوانیم خدمتی به نیازمندان بکنیم، رفتار خوشایند، می تواند تا حدودی از دردهای درونی افراد رنجور کاسته و موجب آسایش خاطر آنان باشد. شاعری خوش ذوق این نکته را چنین ترسیم کرده است:

آرزو دارم که گر گل نیستم، خاری نباشم

باربرداری زدوشی نیستم باری نباشم

گر چه نتوانم ستانم حق مظلومی ز ظالم

باری این خواهم که همکار ستمکاری نباشم

نیستم گر نوشدارویی برای دردمندی

نیز بایی دست و پایی نیش جراری نباشم

امام حسین علیه السلام و بیماران نیازمند

عیادت از بیماران نیازمند از ویژگیهای مهم سالار شهیدان بود. آن حضرت با ملاقات آنان علاوه بر دلجویی و تسکین آلام روحی و جسمی بیماران و دردمندان، به مشکلات مادی و اقتصادی آنان نیز رسیدگی می کرد؛ چرا که مریضهای فقیر و مستمند بیش از آنکه در اندیشه سلامتی خود باشند به فکر بدهکاریها و نیازهای مادی خود هستند و این مشکل از نظر روحی و روانی شدیداً آنان را می آزارد. به همین جهت بر افراد توانمند و مرفه جامعه مسلمین لازم است که به این موارد توجه بیشتری داشته باشند و همچنان که در فکر رفاه و آسایش خود و خانواده‌هایشان هستند در اندیشه این گروه دردمند نیز باشند.

«ابن شهر آشوب» می نویسد:

«روزی امام حسین علیه السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامهٔ بن زید رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می کرد و مکرر می گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامهٔ گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است. امام حسین علیه السلام فرمود: ناراحت نباش! من بدهیهای تو را پرداخت

می کنم . اسامه گفت: می ترسم قبل از پرداخت بدهیهایم بمیرم . حضرت فرمود: من تمام بدهی  
هایت را قبل از مرگ تو می پردازم .

حضرت اباعبدالله علیه السلام همچنان که وعده داده بود قبل از مرگ اسامه تمام قرضهای وی را  
پرداخت (۹) .

خدمت به ضعیفان و یتیمان

امام حسین علیه السلام بسان همه پیشوایان معصوم در خدمت رسانی به محرومان و یتیمان، برنامه  
ویژه‌ای داشت و آن حضرت منتظر نمی ماند که یتیمی به او مراجعه کرده، نیازهایش را بازگو  
کند . سرور آزادگان جهان برای رسیدن به درجات خدمتگزاران حقیقی، خود پیشقدم می شد و  
به طور ناشناس و در دل شبهای تاریک به رفع مشکلات یتیمان، بیوه زنان و محرومان جامعه  
می پرداخت . او همچون پدر ارجمندش حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن چنان در این امر  
مهم اهتمام داشت و کار خود را به صورت غیر محسوس انجام می داد که تا قبل از شهادتش  
مردم عادی از یتیم نوازی و خدمات محرومیت زدایی آن جناب آگاهی نداشتند .

«شعیب بن عبدالرحمن خزاعی» در این زمینه می گوید: «بعد از حماسه عاشورا، مردان قبیله بنی  
اسد - هنگامی که خواستند جسد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دفن کنند - بر دوش  
آن حضرت، اثر زخمی یافتند که کاملاً از جراحتهای جنگی متفاوت بود؛ زخم کهنه‌ای بود که  
هیچ شباهتی به زخمهای روز عاشورا نداشت . از امام سجاد علیه السلام در این مورد سؤال  
کردند . آن حضرت در پاسخ فرمود:

«هذا مما ينقل الجراب علی ظهره الی منازل الارامل والیتامی» (۱۰) این زخم بر اثر حمل  
کیسه‌های غذا و به دوش کشیدن هیزم به خانه‌های بیوه زنان و یتیمان است .

شهریاری که به شب برقع پوش

می کشد بار گدایان بر دوش

ناشناسی که به تاریکی شب

می برد نان یتیمان عرب

خدمت به قدر معرفت

در سیره امام حسین علیه السلام خدمت رسانی به هر کسی به اندازه معرفت اوست . زیرا  
پرسودترین سرمایه هر کسی گوهر معرفت و علم و ادب است و تمام امور زندگی و فلسفه

خلقت انسان برای وصول به این مقام است و این سرمایه جاویدان - برخلاف سرمایه‌های مادی - در دنیا و عقبی با انسان همراه است .

همچنان که گفته‌اند:

گوهر معرفت آموز که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

شخصی به حضور پیشوای سوم آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، من خون بهایی را عهده‌دار شده‌ام اما در پرداخت آن ناتوانم . به ناچار پیش خود فکر کردم این مشکل را با کریم‌ترین مردم عصر در میان بگذارم و هر چه جستجو کردم کریم‌تر از شما نیافتم .»

امام علیه السلام به او فرمود: «ای برادر! من سه سؤال از تو می‌کنم؛ اگر یکی را پاسخ دادی ۱۳ بدهی‌ات را می‌پردازم و اگر دو تا را جواب گفتی ۲۳ و اگر همه را صحیح پاسخ دادی تمام بدهی‌ات را خواهم پرداخت!!!»

مرد ناتوان بالحنی عاجزانه گفت: «ای فرزند رسول الله! آیا شخصی مثل شما - که از خاندان علم و شرف و فضیلت هستی - از کسی مثل من سؤال می‌کند؟!»

امام حسین علیه السلام فرمود: «بلی، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: المعروف بقدر المعرفة، نیکی [و خدمت به دیگران] به قدر معرفت [آنها] است .»  
مرد گفت: «در این صورت هر چه می‌خواهی بپرس!» و امام با آن مرد چنین گفتگو کرد:

- «کدام عمل، فضیلت بیشتری دارد؟»

- «ایمان به خدا»

- «راه نجات از هلاکت چیست؟»

- «اعتماد به خدا»

- «آرایش و زیبایی حقیقی افراد در چیست؟»

- «علم و دانشی که با حلم و بردباری توام باشد.»

- «اگر آن نبود؟»

- «ثروتی که با انصاف و مروت همراه باشد.»

- «اگر آن هم نبود؟»

- «فقر و محرومیتی که با صبر و پایداری تحمل شود.»

- «اگر آن هم نباشد؟»

- «در این صورت بهتر است بلایی از آسمان آمده، چنین فردی را نابود کند که او شایسته همین است

در اینجا امام حسین علیه السلام خرید و مبلغ هزار دینار به وی عطا کرد. آنگاه انگشتر مبارکش را که نگینی به ارزش دویست درهم داشت به عطایش افزود و فرمود: «یا اعرابی! اعط الذهب الی غرمائك واصرف الخاتم فی نفقتك؛ ای مرد عرب، طلا را به طلبکارانت بده و انگشتر را در مصارف شخصی خود خرج کن.»

مرد بدهکار با خوشحالی تمام هدیه امام را گرفت و در حالی که آیه «الله اعلم حیث يجعل رسالته» را قرائت می کرد، از حضور امام حسین علیه السلام مرخص شد. (۱۱)  
هشدار به مسئولان

سرور آزادگان جهان، اندکی قبل از هلاکت معاویه، در خطبه‌ای حساس و تاریخی در سرزمین منا به مسئولان جامعه اسلامی و عالمان و حاکمانی که در اجتماع نقش مؤثری دارند، اما در مورد خدمت رسانی به فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه کوتاهی می کنند سخنانی هشدار دهنده بیان می فرماید و نکات مهمی را در این زمینه به آنان یادآور می شود.

آن حضرت در بخشی از سخنان خود به تزییع حقوق مستضعفان و محرومان جامعه اشاره می فرماید و از بی توجهی مسئولان جامعه به مسائل خدماتی انتقاد می کند و می فرماید:

«فاما حق الضعفاء فضیعتهم واما حقکم بزعمکم فطلبتهم، فلا مالا بذلتموه، ولا نفسا خاطرتم بها للذی خلقها و لا عشیره عادیتموه فی ذات الله، انتم تتمنون علی الله جنته و مجاوره رسله و امانا من عذابه؟!؛

[شما ای بزرگان و مسئولان جامعه!] حق ضعیفان را پایمال نمودید و آنچه را که حق خود تصور می کردید طلب کردید ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و بستگان خود برای رضای خدا بریدید. آیا [با این پرونده سیاه و اعمال زشت]

بهشت خداوند و همجواری پیامبران او را آرزو می کنید و با این حال می خواهید از عذاب خدا در امان بمانید؟!»

سالار شهیدان در فراز دیگری از کلمات بیدارگرانه و کوبنده خود به وضعیت اسف بار و نابسامان مستضعفان و بیچارگان می پردازد و می فرماید:

«وقد ترون عهود الله منقوضه فلا تفرعون وانتم لبعض ذمم آباءکم تفرعون وذمه رسول الله مخفوره، و العمی والبکم والزمن فی المدائن مهمله لترحمون و لافی منزلتکم تعملون و لامن عمل فیها تعنون وبالادهان والمصانعه عند الظلمه تامنون؛ (۱۲)

شما می بینید که پیمانهای الهی شکسته می شود ولی هیچ فریاد نمی کشید در حالی که برای بعضی از پیمانهای پدرانتان آشفته خاطر می شوید. اینک پیمانهای رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد بی اعتنایی قرار گرفته و نایبانیان، اشخاص کر و زمینگیر در همه شهرها بی سرپرست مانده اند، به آنان رحم نمی کنید و مطابق شان و منزلت خود عمل نمی کنید و به کسانی که در این راه خدمت می کنند توجه نمی کنید و با چرب زبانی و سازش با ستمکاران خود را در حاشیه امن قرار داده اید.»

امام حسین علیه السلام خودداری از رسیدگی به محرومان و نیازمندان را از بدترین صفات حاکمان می دانست و همواره می فرمود:

«شر خصال الملوک: الجبن من الاعداء والقسوة علی الضعفاء والبخل عند الاعطاء؛ (۱۳) بدترین صفات حاکمان، ترس از دشمنان، قساوت بر ضعیفان و خودداری از بخشش در موقع عطا می باشد.»

آن حضرت علاوه بر حمایتهای عملی خویش از محرومان جامعه بر ضرورت خدمت رسانی به نیازمندان تاکید کرده، در گفتارها و اشعارش این اعتقاد خود را ابراز می نمود.

نمونه ای از اشعار آن بزرگوار را می خوانیم:

«اذا جادت الدنيا عليك فجدبها

علی الناس طرا قبل ان تتفلت»

«آنگاه که دنیا به تو روی خوش نشان داد [و برایت امکاناتی فراهم شد] تو هم از آن به نفع

نیازمندان و مستمندان بهره گیر، قبل از آنکه از دست بیرون رود.»

فلا الجود يفنيها اذا هي اقبلت

ولا البخل يبقيها اذا ما تولت»

(۱۴) «نه بخشش تو آن را - هر گاه به تو روی آورد - از بین خواهد برد و نه بخل تو، آن را -

هر گاه به تو پشت کند - باقی خواهد گذاشت.»

آثار خدمتگزاری

حضرت حسین بن علی علیه السلام برای توسعه امر خدمت‌رسانی در جامعه، مردم را از آثار این امر مقدس آگاه کرده، می‌فرماید:

«فمن تعجل لآخيه خيرا وجده اذا قدم عليه غدا ومن اراد الله تبارك وتعالى بالصنعة الى اخيه كافاه بها في وقت حاجته وصرف عنه من بلاء الدنيا ما هو اكثر منه ومن نفس كربة مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والآخرة» (۱۵) هر کس برای نیکی [و خدمت‌رسانی] به برادر خود بشتابد فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن او را از بلاها و گرفتاریها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را بر طرف خواهد نمود.»

مهم‌ترین شرط خدمتگزاری

در خدمتگزاری به مردم یک شرط اساسی وجود دارد که بدون آن عمل نیک، ارزش واقعی خود را از دست خواهد داد و آن اینکه خدمت به مردم باید از راه صحیح و پاکیزه انجام پذیرد. و بر اساس تقوا و پاکدامنی و برای خدا باشد و گرنه خدمت‌رسانی به خاطر مقاصد نفسانی و هواهای شیطانی هیچ گونه تاثیری نخواهد داشت؛ چرا که عمل خیر باید از راه خیر و نیک انجام پذیرد؛ همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«انما يتقبل الله من المتقين» (۱۶)؛ «خداوند متعال فقط از پرهیزگاران [اعمال نیک] را می‌پذیرد.» در این راستا امام حسین علیه السلام رهنمودهای ارزنده‌ای به جامعه بشری عرضه نموده است. هنگامی که به آن حضرت خبر دادند «عبدالله بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - چنین و چنان صدقه داده و عده زیادی برده آزاد کرده است، امام علیه السلام فرمود:

«مثل عبدالله بن عامر همانند کسی است که از حاجیان و راهیان خانه خدا سرقت کرده و سپس اموال دزدی را صدقه می‌دهد.» آنگاه افزود:



«انما الصدقة الطيبة صدقة من عرق فيها جبينه واغبر فيها وجهه؛ صدقة پاکیزه، صدقه کسی است که در راه کسب آن پیشانی اش عرق کرده و صورتش غبار آلود شده است.»

وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «منظور حضرت سید الشهداء علیه السلام چه کسی بوده است؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام.» (۱۷)